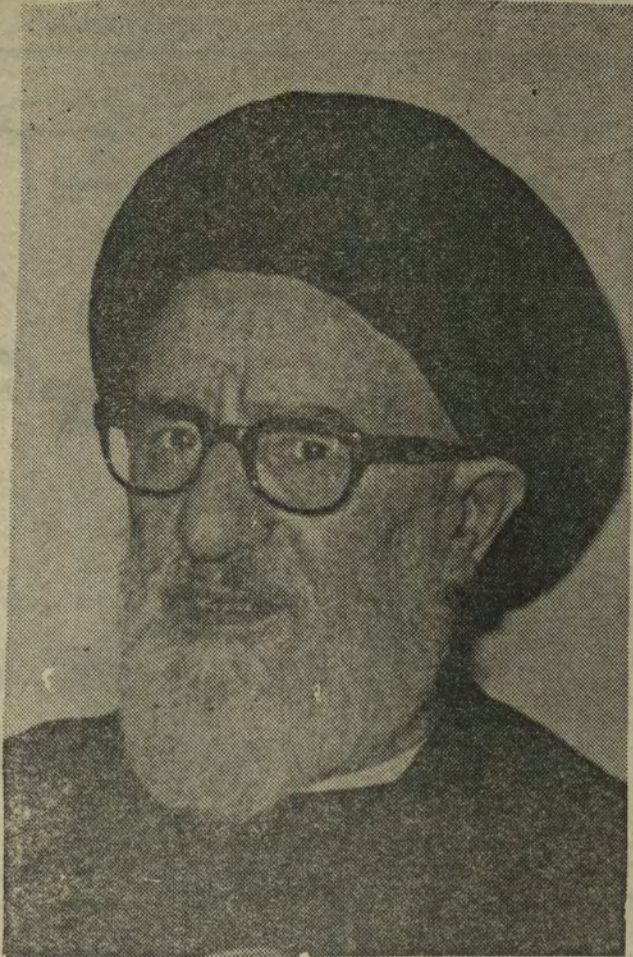


هفته نامه

سرخايش

تاسيس ۱۳۲۵
شماره چهارم - دوره پيروزي - تكميله ده ريال
چهارشنبه بيست ونهم فروردين ۱۳۵۸
برابر با بيستم جمادى الاول ۱۳۹۹ مطابق با ۱۸ آوريل ۱۹۷۹
برای خارج از کشور ۲۵ پيس
April 29 Far



دکتر سنجابی
کاندیدائی
خود را برای
ریاست جمهوری
اعلام کرد
صفحه ۴

بحکم ملت ایران هر گونه دیکتاتوری و خودکامگی را محکوم میکنیم

حمل برصف شکنی فرمائید و ما را به اخلاص در توحید کلمه متهم نسازید
موقعی حساس است و ضرورت زمان، صراحت کلام را ایجاب می کند. کار
مصلحت ملی و استقلال کشور سخنی نیست که بتوان از آن به آسانی
گذشت و اجازه داد که هرکس در گوشه ای و هر دسته به تمایلی آن را ملعبه
خویش سازند.

ربودن خاندان مجاهد طالقانی را چون ستمی بزرگ بر ملت ایران تلقی
می کنیم و همپای با ملت قهرمان ایران و انکس در مقابل آن را وظیفه ای ملی
و دینی می شماریم. این حقیقت، روشن و صریح است که ملت ایران پس از
۲۵ سال مجاهده و ستیز با دستگاه اهریمن، اجازه نخواهد داد که تنی چند
مدعی از راه رسیده بر سفره پیروزی بنشینند و آن را خوان یغما بیندارند
و شرافت مبارزاتی مجاهدان صف اول جبهه را به هیچ انگارند. شاید جای
بیان این مطلب هم اینجا هم امروز باشد که قنای ملت ایران، یک قلم
عمومی و حتما درونی و باجوششی ایمانی و ایرانی بوده است که بر ضد
استبداد و فساد جریان یافته و با تکامل تدریجی در بستر تاریخ به اوج
پیروزی دست یافته است. آنان که می خواهند با خودکامگی کودکانه بر این
مبارزه جانانه رنگ انحصار و استبداد جدیدی را تحمیل کنند، سخت
در اشتباهند. اگر در تعطیلات عاشورا و تاسوعا چند میلیون نفر را همگام و هم
بانگ در برابر تانکهای شاهنشاهی با صدای لا اله الا الله متحد می بینیم باید به
گوش جان هدف اصلی آنرا شناسایی کنیم و به نیکوتری در یابیم که این اتحاد
بر ضد خودرانی و فساد شکل گرفته و برای براندازی هر نوع دیکتاتوری
و خودکامگی به حرکت آمده است.

در روز های پیش از آن و در غریب بانگ الله اکبر های شبانه همین مفهوم
به جهان آزاد ارائه شده است که دیگر ملت ایران تاب و توان خود را در برابر
دیکتاتوری از دست داده و می خواهد که یازده بماند و ازاد باشد و ازاد
بیاندیشد و با آنکه در زیر صدای چرخ های تانکهای دیکتاتور له و نابود شود.
شکست خودکامگی را با خودکامگی دیگر نمی توان توجیه کرد
و از شکست خودکامگان نمی توان سپری بر ماجراجویی و فساد دیگری فراهم
ساخت.

اکنون چند روز است تهران و ایران می غرد و مجاهد کبیر را می طلبد.
مجاهد کبیری که در بدو خوب مردم، در زندان و خیابان، در مسجد
و شبستان همه جا و همه جا همپای آنان بوده و به اعتبار اصالت راستین خود،
عنوان پدری انقلاب را به حق بخود تخصیص داده است.
کیستند آن کور باطنان که نه قدرت شناسانی خود را دارند نه هويت
ملت ما را می شناسند و نه از ارتباط عمیق مجاهد کبیر با مردم خروشان کشور
آگاه هستند. مادر این یکبار و به امید آنکه آخرین بار باشد به مفسده انگیزان
صفحه ۶

دکتر شمس الدین امیرعلائی:

مکتب مصدق، مکتب تقوی

و پرهیزگاری بود.

* دکتر مصدق بمن وزارت

نداد، بمن شرافت داد

* شاه سابق در یک مصاحبه مطبوعاتی

گفته بود: اگر بنا باشد، من ایران را ترک
کنم، زمین سوخته تحویل خواهم داد!

* شاه سابق با حيله بعضی از توده ای ها را به

خدمت میگرفت و جوانان را بدام می انداخت.

به مناسبت انتخاب نخستین سفره
کبار دولت جمهوری اسلامی ایران
در پاریس و مسکو، مجلس
ضیافتی به افتخار آقایان دکتر
شمس الدین امیر علانی و دکتر

دگرگوشی
صفحه ۸

اعدام هویدا و دفاع

نخست وزیران فرانسه

ناصر نجمی

مروری کوتاه

میان کشتارهایی

که در فرانسه شد

و اعدامهایی که در

انقلاب اسلامی

ما صورت گرفت

در انقلاب کبیر

فرانسه روزی صدها

نفر سرهای خود

را زیر گیوتین

از دست میدادند

در صفحه ۴

آیت الله طالقانی مجاهد بزرگ

از دکتر انواری وکیل دادگستری

ملت غارت شده

بحثی برای برگرداندن اموال

ملت که دزدان

و چپاولگران بخارج کشور انتقال داده اند

* در رژیم چنان منحط و ضد مردمی بایستی هم اسبهای ژنرال
در اسکا تلند والس برقصند و ساربان زاده ایرانی با پرنس موناکو
رقابت کند.

* امیدواریم قصد واقعی برگرداندن اموال غارت شده ملت باشد
نه ایجاد هو جنجال برای گروهی مردم.

* وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری میبایستی بجای
کارهای نمایشی دست با اقدامات صحیح قانونی بزنند.

وزارت

صفحه ۵

در بجهت مسازرات مردم
کشور مالیستی از طرف کارکنان
اعتصابی بانک مرکزی
انتشار یافت که نمایانگر ارقام
نجومی حواله شده پنم اشخاص یا
صفحه ۶

توطئه ضد انقلاب را با ایجاد

کار و مسکن خشتی کنید

مشکل بیکاری و مسکن را چگونه میشود

حل کرد

عباس محمودی

بو قلمون

حسن قوامی زاده

می خور که شیخ و حافظ و مفتی و

مجتب چون نیک بنگری همه تزویر

میکنند

کت و شلوار قاستونی، پیراهن

صوف ایریشمی کراوات زیبای

انگلیسی و جورابهای آمریکائی

همه آماده شده بود. تنها یک کار

باقی بود آنهم کار آسانی نبود باید
سلمانی بی انصافی را پنهانی
صفحه ۴

اکنون که بهمت والای میلیونها
مردم قهرمان وطن و بخونیهای
صدها هزار شهید گلگون کفن
مملکت از دست رژیم گانگسترهای
فوق بین المللی نجات پیدا کرد.
وقت آنست که بتدریج و به نسبت
فرصتی که بدست میاید بفکر آنها
که جان پدر بردند و زنده ماندند
ببفتم و سروسامانی بوضع مردم
محروم و داغ ستم دیده این کشور
بلاخیز بدهیم.

از اهم ابتلائات، مسئله مسکن
و بیکاری است اهمیت این دو
مشکل تا بدانجا است که سرمایه
داران بین الملل را که دستشان در

در صفحه ۷

با نام پیشوا، غریو هلهله حضار

تالار کتابخانه دانشگاه را به لرزه در می آورد

پیمانی نو و راستین در راه تداوم مبارزه میان دونسل از مبارزان ملی

(وزرای مصدق) دکتر امیرعلائی -
علی اردلان - دکتر محمد مکرری و
علی اصغر بشیر فرمند را می بینید.
صفحه ۸

امیر اشرف منوچهری - داریوش
فروهر - مهندس کتیرائی - سرهنگ
ممتاز - دکتر ملکی - دکتر آذر

در میان مدیران و نویسندگان
جراید ملی به ترتیب مهندس حسینی



This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

اعدام هویدا و دفاع نخست وزیران فرانسه

شازدهم و ماری انتوانت ملکه فرانسه را محاکمه میکرد فقط از متهمین هویت آنها را میبرد و بعد حکم اعدام آنها را صادر میکرد و همین نویسنده در جای دیگر کتساب خود مینویسد: روزی مأموران انقلاب عده ای از متهمین را برای محاکمه به دادگاه میبردند

وقتی آنها را در خیابانها حرکت میدادند یک نفر عابر که گویا بطور اشتباهی وارد این عده شده بود همراه جمع متهمین به تالار دادگاه و بحضور دادستان رانده میشود. دادستان هویت یکایک متهمین را میبرد و آنها را محکوم به مرگ مینماید تا آنکه که نوبت به آن مرد میرسد، مرد بیگناه میگوید آقای دادستان مرا اشتباهی باین جمع آورده اند نگاه کنید نامم در لیست متهمین نیست، فوکیه تنویل پاکمال خونردی نگاهی بصورت آن مرد افکنده و خطاب به او میگوید که فقط اشکال کار این است که نام شما در لیست نیست؟ بسیار خوب آقای منشی دادگاه اسم ایشان را هم در لیست بنویسید! بهر حال در جریان کشتار انقلاب کبیر فرانسه کار خونریزی بجائی رسید که سر قهرمانان بزرگ انقلاب چون: واتسن - کامیل دومولن مدیر روزنامه معروف «ویوگور دولیر» بزرگ گوتین رفته از بن جدا شد و جالب تر از همه اینکه در انقلاب کبیر فرانسه همان کشور مهد آزادی و برابری و برادری و مدافع ستمکشان انقلابیون سر دکتر گوتین مخترع گوتین را هم در زیر گوتین که خود خلق کرده بود بنام آزادی و برابری از پیشکش جدا کردند. خلاصه کلام اینکه انقلاب که برای پاک کردن فضای کشور ناگزیر از محاکمه و اعدام مجرمین و جنایتکاران و خود فروخته شدگان به رژیم استبدادی است بخاطر هدف مقدسی که دارد و بنام آزاد ساختن مردم ستمدیده برای خود قانون خاصی دارد که آن قانون و منطق با زمان عادی و شرایط غیر انقلابی تفاوت کلی دارد و قانون انقلاب برای نجات توده های مردم کشتار ها و اعدام های بسیاری را توجیه... میکند فراموش نکنیم که در انقلاب ایران تاکنون همه روزنامه نگاران و نویسندگان مزدور با تغییر چهره از مجازات گریخته اند و ما هنوز نتوانسته ایم «کامیل دومولن» ها را بمحاکمه بکشانیم.

ماده ۲۵ قانون اساسی فرانسه که ملهم از انقلاب کبیر فرانسه است میگوید: «وقتی حکومت حقوق ملت را نقض میکند، انقلاب برای ملت و هر دسته ای از ملت مقدس ترین و ناگزیر ترین وظایف است.»

وقتی هویدا نخست وزیر باصطلاح ابد مدت ایران که در مدت بیش از پانزده سال جنگیز آسا با اعوان و انصارش بر پیکر و روح ملت مایورش بردند و در این ایفان سبانه بر، هیچ چیز ابقاء نکردند و مملکت ما را تا مرز انقراض و زوال پیش راندند به محاکمه کشیده شد و از همان ابتدای کار هم معلوم بود که شاهین مرگ بر فراز سرش پرواز میکند یکی دو نخست وزیر پیشین و چندتن از رجال سیاسی فرانسه از جمله «ادگار فور» که با امیر عباس خان رفیق گرمابه و گلستان بودند به تکاپو افتادند و از او جسته و گریخته دفاع کردند و حتی جناب ادگار فور آمادگی خود را برای دفاع از هویدا اعلام کرد. به موازات این سرو صداها در کشور فرانسه و بعضی ممالک دیگر زخمه برخاست که در ایران انقلابی کشتار زیادی صورت میگردد که با حقوق بشر منافات دارد! وقتی این سرو صداها از کشوری چون فرانسه طنین انداز میشود که در سال ۱۷۸۹ فرزندان دلیر و مبارزش دست بکار انقلاب عظیم و خونینی شدند که بخاطر خلع لرنی شازدهم پادشاه ضد انقلابی و طبقات ممتازه بیدادگر، هر روز صد ها نفر ضد انقلابی و وابستگان به سلطنت و رژیم سرهای خود را زیر گوتین از دست میدادند - و این کشتار که تا آخرین روز انقلاب بهیچ وجه قطع نشد حتی در زندانهای پاریس هم صورت میگرفت. پاریس انقلابی دادستانی داشت بنام «فوکیه تنویل» که قاضی تندرو و آتشینی بود، او که تعصب و اعتقاداتی شگفت آور به انقلاب کبیر داشت و از رویسپیر رهبر معروف انقلاب اطاعت و حتی ستایش میکرد گاه اتفاق میافتاد که روزانه چندین صد نفر را محاکمه و به مرگ با گوتین محکوم مینمود، الکساندر دوما نویسنده معروف فرانسه در کتابی که درباره انقلاب فرانسه نوشته مینویسد: فوکیه تنویل که همه روز تعدادی از وابستگان به دربار لونی

بازهم در مورد مطبوعات شاهنشاهی

قلم بدستان مزدور حق تصمیم گیری درباره مطبوعات را ندارند

وزیر اطلاعات با انتشارات های ساواکی های مطبوعات، دیگر کسی باقی نخواهد ماند.



شاهنشاهی برای خود پرونده مظلومیت می سازند و سپس انتقاد ما را که بیشتر متوجه خودشان است در مجمع عمومی سندیکا، رندانه بسوی سندیکا حواله می دهند.

رجاء واثق داریم که انقلاب ایران این تکلیف را با قاطعیت بر مسئولان تحمیل خواهد کرد که

داشته اند. ولی وجود اینگونه نویسندگان در سندیکا، هرگز نمی تواند سندیکای مطبوعات هویدائی را نماینده همه مطبوعات ملی ایران قلمداد کند و سرانشان را در ردیف زعمای شهید مطبوعات معصوم و طاهر در مقابل ما نشانند.

اختلاف نظر ما با آقای میناجی وزیر اطلاعات برسر این نکته است که ایشان برای جلوگیری از درگیری دولت، تصفیه مطبوعات را از خود آنان می خواهند و مسئولان سندیکا خود سابقه ای بس روشن! دارند بران سرنده که وزارت اطلاعات را با قلم بدستان روبرو قرار دهند و تصفیه را از ناحیه دولت قلمداد کنند و با این رندی، خود برسر کار بمانند و مخالفان شخصی خویش را از صحنه براند ولی ما همه سردمداران سندیکا را شریک جرم حکومت اختناق می شناسیم و اگر جانی برای گذشت وجود داشته باشد، از شایسته کسانی می دانیم که در این ۲۵ ساله قلم ناماجور زده اند و گناهشان در پیشگاه ملت ایران قابل اغماض است.

آقای وزیر اطلاعات خود عنوان کردند که «اگر لیست های موجود در اختیار وزارت اطلاعات انتشار یابد و اساسی حقوق بگیران ساواکی مطبوعات منتشر شود، دیگر از سردمداران سندیکا، کسی باقی نخواهد ماند» ایشان با تکیه به مصلحت مملکت در حفظ این لیست لعنتی اصرار دارند ولی ما که از زبان مردم سخن می گوئیم و درجانی که دادگاه های انقلاب همه مزدوران رژیم را به جوخه آتش می سپارد، در برابر این برهان تسلیم نیستیم و معتقدیم هر چه زودتر باید لیست حقوق بگیران ساواک و دیگر دستگاه ها منتشر شود و مردم بدانند آنانکه داعیه ارشادشان را داشته و دارند سرد کدام آخور داشته اند و در برابر چگونه دستمزدهای شرافت قلم را در زیر پای دیکتاتور قربانی کردند!

مگر می شود ملت ایران انقلاب کند و همه جانین را از سر راه سعادت ملت ایران بردارد و منادیانسان را چون مدال افتخار بر سینه خویش بپسباند و عزت و احترامشان گذارد؟ شرط اول قدم آن است که این گروه بنام یک دستور موقت ملی از سنگر مطبوعات اخراج شوند. امکان قهرمان سازی و مجاهد پردازی از آنان صلب گردد و چه به روشنی می بینیم درست روزی که لیست حقوق بگیران ساواک به وزارت اطلاعات تسلیم می شود، همان روز مطبوعات بزرگ شاهنشاهی لیست مجعول ترور ساواک را می سازند و از هر روزنامه چند نفری را در آن می گنجانند. درحالی که اطمینان داریم نام تنی چند از همین مجاهدان! ساختگی در لیست حقوقی ساواک و در کسوی وزیر اطلاعات قرار دارد.

ملت ایران باید بداند و می داند که نان قرض دادن ها، قهرمان ساختن ها، لیست قلابی ترور ساواک فراهم کردن هاذره ای از بار گناه مزدوران ساواکی نمی کاهد و این نکته ای است که ما بران تکیه داریم و نکته اختلاف نظر ما با آقای وزیر اطلاعات است. نتیجه نهادن لیست ساواکی ها در کسوی میز همین است که می بینید، آقایان هر روز پرمدها می شوند و با استفاده از اوراق

در باره مطبوعات شاهنشاهی و رنگین نامه های رنگین تا کون به تفصیل سخن گفته ایم و اینک گزارشی درباره فعالیت های مطبوعاتی هفته گذشته: چهارشنبه گذشته، جلسه ای بود در دفتر آقای دکتر میناجی وزیر اطلاعات و با حضور آقایان معاونان آن وزارت و سخن از تصفیه مطبوعات و ایجاد ضوابطی در کار این رسانه ها بود. از سوی مطبوعات ملی ایران مدیر این روزنامه و آقای دکتر سعید قاطمی سردبیر باختر امروز در جلسه شرکت داشتند و از سوی سندیکای نویسندگان و خبرنگاران آقایان محمد علی سفری و صالحیار. سخن ما همان بود که در پرخاش خوانده اید که ما بر این اعتقادیم عاملان تباہکاریهای ۲۵ ساله اخیر، نه تنها حق ندارند در کرسی داوری و اظهار نظر در کار مطبوعات بنشینند، بلکه به زعم ما اینان خود متهمان ردیف ۱ هستند و باید حساب ۲۵ ساله تفتیش عقیده، تفتین علیه مردم و قلب حقایق را بگردم بازس دهند. و بر سر همین اعتقاد بود که به حکم وظیفه، این مطلب با قاطعیت بیان شد و از آقای وزیر اطلاعات خواستیم اجازه حضور در جلسه سرنوشت ساز مطبوعات را به کسانی بدهند که امتحان صداقت و آزادگی خویش را داده باشند. هر چند در آن جلسه بر خلاف اعتقاد و رویه اصولی ما که رعایت نزاکت و ادب را تکلیف می کند، گفتگو از حالت منطقی، بیرون شد و این مایه تأسف است، ولی این واقعه هرگز از اعتقاد ما و همکارانمان از تکیه بر این نکته نره ای نمی کاهد که سرنوشت قلم آزاده و شریف نمی تواند در گرو تصمیم گیری کسانی قرار گیرد که خود قلمی آلوده داشته و در تمامی بنویست های ۲۵ ساله اخیر مشارکت کرده اند.

در اینجا فرصتی است که ما یکبار دیگر نظراتمان را در مورد مطبوعات و بخصوص نویسندگان با مردم در میان بگذاریم و صریحا اعلام کنیم ما با هیچیک از نویسندگان و قلم بدستان و روزنامه نگاران ۲۵ ساله اخیر خصومت و دشمنی شخصی نداریم و اختلاف ما با آنان اختلافی است که ملت ایران و طبقه حاکمه منقرض را روبروی هم قرار داده است. وقتی از زبان هویدای معدوم و یا آن افسر شکنجه گر منفور، در دادگاه انقلاب میشنومیم که ما همه در مجموعه یک نظام و سیستم قرار داشته ایم، که همین روزنامه ارگانشان بوده اند، و یا همه شکنجه گران، عدم آگاهی و تمکین شاهنشاهی خود را نتیجه بد آموزی مطبوعات زمان عنوان می کنند، از اظهار تعجب، خود داری نمی توانیم کرد که چه عاملی می تواند ارگان های شاهنشاهی را از تعقیب مصون نگاه دارد و چه برهانی برای توجیه اوراق شاهنشاهی و قلم های مزدور باقی می ماند.

صحبت بر سر قلم عمر و یا روزنامه زیاد نیست، صحبت این است که ما می خواهیم و اصرار داریم که یک کمیته بی نظر از افراد صالح، صادقانه بنشینند و اوراق مکتوب و سوابق مضبوط همه مطبوعاتیان را بررسی کند و آنگاه با توجه به اصول اهداف انقلاب ایران، آنانرا طبقه بندی نماید. چه هستند نویسندگان جوانی که اکثرا و ندانسته به خدمت مطبوعات شاهنشاهی در آمده و از این رهگنر ارتزاقی در حد معقول

دکتر سنجابی کاندیدائی خود را برای ریاست جمهوری اعلام کرد

دکتر سنجابی علل استعفای خود را با مردم و مطبوعات در میان گذاشت

دیروز در باشگاه جبهه ملی واقع در خیابان سی متری دکتر کریم سنجابی در یک مصاحبه مطبوعاتی با حضور حیرنگ رحیمی و حللی و خارجی شرکت کرد و درحالیکه محل مصاحبه بوسیله چند هزار طرفداران جبهه ملی مملو گردیده بود متنی را که درباره علل استعفای خود بهیچ وجه بود قرائت کرد.

دکتر سنجابی علت کناره گیری خود را وجود دولتهای دست و پا نداشتن اقدامات عناصر مسلحی خود که در امور مملکتی بدون مسئولیت مدینه میکنند تاکید دکتر سنجابی بر مداخلاتی بود که در قلمرو او در سراسر ایران در امریکا و نمایندگی ایران در سازمان ملل امده سه بود در این جلسه گفته شد که این مداخلات از طرف یکی از موسوسان دکتري بنام انوشیروان روحانی انجام شده است.

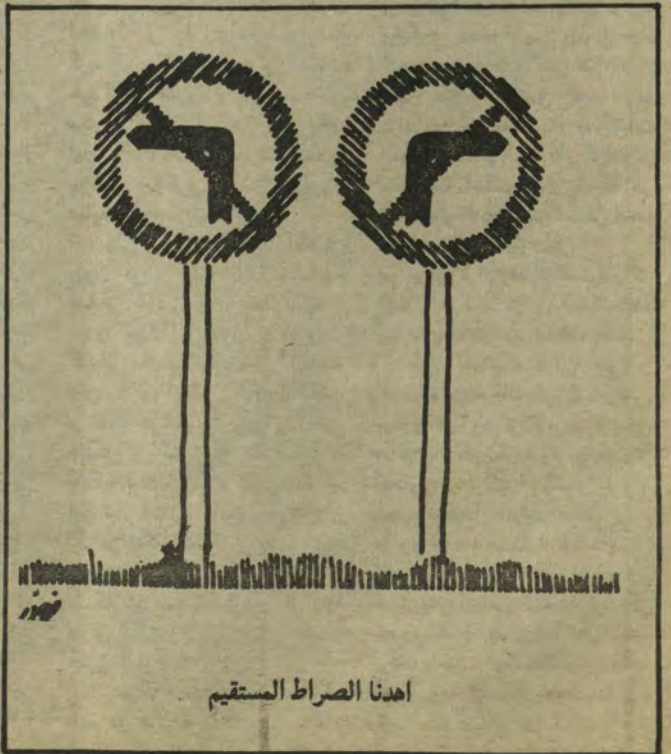
آقای دکتر سنجابی در پاسخ پرخاش توضیح داد که کناره گیری اش در دولت جنبه شخصی داشته و امیدوار است بنام همداری مورد توجه دولت ملت قرار گیرد.

تاکید آقای دکتر سنجابی بر بروده شدن فرزندان آیت الله طالقانی بعنوان برهانی بر این استعفا مورد تایید و با تظاهر شرکت کنندگان روبرو شد.

آقای دکتر در مقابل این سؤال که آیا تا کون در هیچ انقلابی روزنامه های ارگان رژیم منقرض توانسته باشند ارگان انقلاب شوند گفت متاسفانه نمونه ای سراغ ندارد و برای وضع موجود مطبوعات هم دلیلی نمیشناسد. در این مصاحبه دکتر سنجابی کاندیداتوری خود را برای ریاست جمهور اعلام کرد و گفت آماده است شانس خود را آزمایش کند.

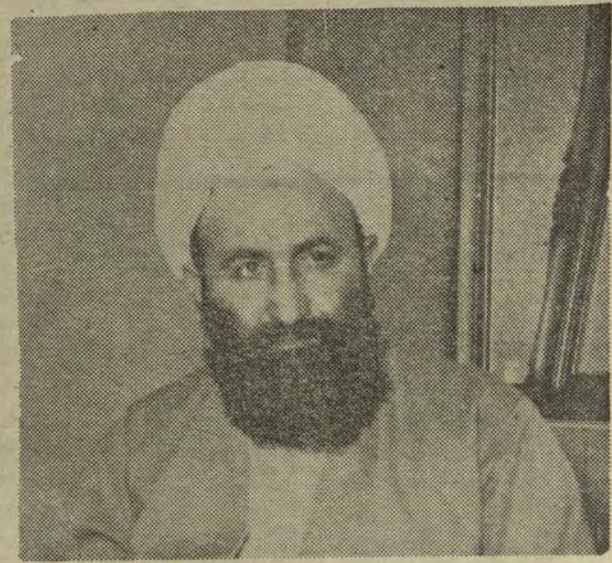
ای ایران از: استاد حسین گل گلاب

ای ایران ای مرز پر گهر
دور از تواندیشه بدان
ای دشمن از توستگ خاره ای من آهمن
جان من فدای خاک پاک میهنم
مهر تو چون شد پیشه ام
دور از تونیست اندیشه ام
درراه تو کی ارزشی دارد این جان ما
پاینده باد خاک ایران ما
سنگ کوهر دروگوهر است
خاک دشتت بهتر از زراست
مهرت از دل کی برون کنم
تا گردش جهان ودور آسمان بپاست
نورایزدی همیشه رهنمای ماست
مهرتو چون شد پیشه ام
دور از تونیست اندیشه ام
درراه توکی ارزشی دارد این جان ما
پاینده باد خاک ایران ما
ایران خرم بهشت من
روشن از توستروشت من
گراثش بارد به پیکم
از آب و خاک ومهرتو سرشته شدگلم
مهرت اگر برون رود گلی شود دلم
مهرتو چون شد پیشه ام
دور از تونیست اندیشه ام
درراه توکی ارزشی دارد این جان ما
پاینده باد خاک ایران ما
بنابه تقاضای خوانندگان چاپ شد



گفتگوی پرخاش با حضرت حجت الاسلام جواد غروی معاون کمیته مرکزی انقلاب

اهتمام داریم هر چه زودتر کارها را به دولت ارجاع کنیم.



مامورین کمیته ها نباید بدون داشتن اجازه دادستان مزاحمتی برای اشخاص ایجاد نمایند.

در پی حوادث اخیر تهران وشایعات گوناگون در مورد کاربرد کمیته های انقلاب، گفت و شنودی با حجت الاسلام جواد غروی معاون کمیته مرکزی انقلاب داشتیم، با دریافت خبر عجب و تکاندهنده عزیمت آیت اله طالقانی از تهران، بر آن شدیم که خلاصه ای از مصاحبه با آقای غروی را از نظر خوانندگان بگذاریم:

افراد قرار نداده اند و مردم خودشان در یورش به پادگانها سلاح بدست آورده و بعدا به کمیته ها مراجعه و ثبت نام کرده اند و کمیته ها نیز به صوابدید کمیته های محلی برای آنها کارت صادر نموده اند. در آینده تلاش خواهیم کرد که کلیه سلاحها جمع آوری و اکنون هم اگر اتفاق سوئی برای افراد کمیته بیافتد مسئول آن خودشان هستند.

پاسداران انقلاب از بین افراد کمیته انتخاب میشوند؟ - خیر پاسداران از بین افراد حائز شرایط انتخاب میشوند و این گزینش مخصوص افراد کمیته نیست.

کارکنان مجلس به تصرف ساختمان مجلس توسط کمیته مرکزی اعتراض دارند نظرتان در این باره چیست؟ - اعتراض کارکنان مجلس بی اساس است چرا که مجلس شورایی منحل شده و اداره مجلسین شورا و سنا بعهده دولت میباشد دولت نیز هیاتی مرکب از آقایان دکتر اسلامی، محجوب و متحدین انتخاب نموده و این عده سرپرستی مجلسین را بعهده دارند.

تاکی باید جوانان از کار و تحصیل محروم مانده بطور رایگان به پاسداری بپردازند آیا برنامه ای برای استخدام آنها در دست تهیه است؟ - اکثر ماموران کمیته از بین دیپلمه ها انتخاب شده اند و برنامه ای در دست تنظیم است که بطور مستمر استخدام شوند اکنون نیز از لحاظ تغذیه تامین میشوند و اندک کمک مالی نیز بآنها میشود.

چرا کمیته های انقلاب در مسائل مملکتی مانند: حل اختلاف بین کارگر و کارفرما، داوری بین مالک و مستاجر و دیگر موارد دخالت میکنند؟ آیا نظرتان در اینگونه دخالتها از قدرت اجرائی دولت نمی کاهد؟ - در پاره ای موارد ضروری و جزئی بنا ب درخواست مردم مجبور بدخالت هستیم اما اهتمام داریم همه کارها را هر چه زودتر بدولت ارجاع کنیم و خودمان را با موازین آئین نامه وفق دهیم.

شایعاتی بر سر زبانهاست که تعدادی روحانی نما و ساواکی در کمیته ها رخنه کرده اند، امام نیز موکداً باین موضوع اشاره فرموده بدخالت خواهیم شد.

بو قلمون

او کجا و جواز عمامه کجا؟ او یکبار هم در مدت عمر خود زیر بار نرفته که زید و عمرو را بجان هم بیند از دست و بسنت طلاب علوم در حال جرو بحث کشش و تعلینی بسر رفقای خود بگوید زیرا دلش بقدری نازک بود که جز نقش رخسار دلفریب ماه طلعتان و پرریویان چیزی در خود راه نداد و هم فکر میکرد که اگر بخواهد از حالا شروع کند و برای حفظ عمامه در زمره طلاب در اید خیلی سخت و ناگوار است. برای کسیکه از پرتو وجود پدر نازنینش حتی مدرسین درجه اول هم در احترام او مبالغه و افراط میکنند ناگوار نیست که تازه کتاب صرف میرزا باز کرده با آن بچه طبله طالقانی هم آواز شود: «بدانکه ایدک الله تعالی فی الدارین...» از یک مشت موی بی مصرف دل کندن بر مراتب اساتیر است و بعلاوه شکی نیست که با صورت صاف بهتری میشود باغوش گلرخان پناه برد مگر همین ریش لعنتی هزار بار سد راه او نبوده است؟ سر را بلند کرده نگاهی بچهره ساکت و آرام سلمانی انداخت و با حالتی محزون گفت «بتراش».

از فردا صبح بعد کسی بخوند ملا محمد طاهر را ندید فقط اطفال بیگانه و مردم محله... جوان شیک و زیبایی را میدیدند که تازه در محفلشان سبز شده و با کفشهای

ظریف خود صدای خشن خشی بروی سنگهای ورقلمبیده کوچک ایجاد میکند. آقای محمد طاهر خان از سرنوشت خود خیلی راضی و خشنود بود یا یک سیر ریش که از چهره خود کاست احساس میکرد باندازه یک خروار سبک شده است اینقدر سبک و چابک بنظر میرسید که حتی بنظرش میآمد می تواند پرواز کند.

با قدمهای محکم و استوار خود وارد خیل خوبرویان شد دیگر از هیچ چیز نمی هراسید زیرا برای جوانان فرنگی ماب هیچ چیز مایه ننگ و عار نمیشود، دیگر احتیاجی نداشت هنگامیکه در در شکله نشسته بدرشگه چی بگوید گروک درشگه را پائین بیاورد، دیگر محتاج نبود که شکاران سمین تن خود را در کوچه های تنگ در خلوت تعقیب کند مثل همه جوانان هم عصر خود همه جا و همه وقت بصف رندان میزد اگر به اعضا و جوارح او گوش میدادید میدیدید همه حتی الوری و الشریان فریاد میزدند «زنده باد شاه».

«زنده باد اعلیحضرت رضاشاه پهلوی» اینجاست که سیر تکاملی تاریخ متوقف نمیشود یکبار دیگر اوضاع آشفته شد کشوری بسوی خرابی و ویرانی رفت تا بفراز خرابیهای آن کاخ با شکوهی بنا شود. دستی که برشانه ها فشار میآورد از شانه قطع شد باز بازار آشفته شد و حضرات جانی گرفتند هر کس بفکر خویش افتاد و کوسه بفکر ریش در این میان آقا محمد طاهر خان هم بیاد یک قبضه ریش بورخانی رنگ که دست جانیکاری از او روبرو بود گریه

مشکل بیکاری و مسکن را چگونه میشود حل کرد

موجبات تضعیف دولت و بیداری کشیدن نیروی زحمتکشان بواجبه با دولت بپردازند. باشد که از این برنامه ریزی عمیق آب را گل آلود و از بهم انداختن نیروهای انقلابی بجان هم طرفی به بندند.

مسلم است که دیگر آن دوره گذشته است که کسی بخواهد از بزرگ طرار بین المللی که هر لحظه ابتکاری در زدی و چپاول ملت ۳۵ میلیونی ایران نشان میداد طرفداری نماید چه شاه زذالت و پستی را بداند رسائید که دست مزون و کرمول و ساموز و امثالهم راز پست بست و وجود میلیاردها دلار پول غارت شده برای این کولی و یا یهودی سرگردان نمیتواند جانی برای پشتیبانی از او در داخل مملکت بوجود آورد و بدین سبب است که آلات فعل و عملجات عذاب خود در دادگاههای عدل اسلامی ارباب پیشین خود را دزد غارتگر و بی شرف و بی ناموس عنوان کرده و حتی او را از موش هم ترسو تر میدانند.

پس با این ترتیب استعمار دیگر بنام طرفداری از رژیم شاهنشاهی و یا حفظ قانون اساسی و امثالهم نمیتواند عده ای را تجهیز کند و بجان دولت انقلاب بیاندازد اینست که مبتکرین سیا و مساد راههای دیگری برای تضعیف دولت ملی طراحی میکنند و نقاط ضعفی را که در اثر استقرار ۵۷ ساله رژیم منفر پهلوی بوجود آمده نشانه گرفته و جوانان و مردم با شرف را که سالهای سال برای احقاق حق خود خون دل خورده اند و اکثریت تحصیل کرده و دم برنیاورده اند رهنمون برفع کمبودها میکنند و میخواهند این مشکلات عمیق که رفع آن احتیاج به پول و زمان دارد یکسبه رفع و رجوع نمایند.

این ارشاد مودبانه عده زیادی از جوانان پرجوش و خروش ما را بیدان مبارزه بر علیه دولت کشتائیده

و صحنه های اعتراض آنها که دراصل حق آنها است بوجود میآورد و چوب لای چرخ دولت میگذارند فرض بفرمائید که بخواهند مسکن برای طبقه ویلان و آواره بسازند. بالطبع دهرشهر و دیار. هرده و روستا باید موجبات این کار خالی دولتی که هنوز هربش تتی چند از پاسدارانش بضرر گلوله ماموران ساواک سابق از بین میروند و استقرارش آسیب پذیر است امکان دارد؟

چطور خود تقاضا کنندگان متوجه نیستند که تنها وجود خودشان بدون توجه به سایر مواضع وسائل نه ماه و نه روز بطول انجامیده و تازه وقتی بدینا میآیند در حد یک گربه نمیتوانند روی پای خود بایستند و اگر مادر و پدر نباشد و آنها را تروخشک نکند در همان لحظات و یا روزهای اول از گرسنگی و تشنگی و درین مدفوع خود از بین میروند و شب زنده داری مادر و تلاش بی امان پدر برای ایجاد امکانات جهت رشد جسمی، پوششی و فکری آنها نباشد چه بیار میآیند و چه از اب در میآیند ولی بدون تردید دولت انقلابی بدون قوت وقت باید بوظایف اساسی خود توجه و دقت نماید و بدون جهت و بدون نقشه وقت گذرانی ننماید و صاحبان اندیشه های سازنده انسانی را بکمک بطبید و تمام عوامل را برای رفع این مشکل بزرگ زمان بکار اندازد تا بایک برنامه اعلام شده چنساله این نیاز اصلی جامعه رفع شود و اگر در اینکار تامل و تردید روا دارد و در عین حال مردم را در جریان مشکلات خود نگذارد و از آنها یاری نظید زیر پای خود را آب و جارو کرده است و بس.

و دیگر مساله بیکاری است که آنهم در ارتباط مستقیم با سیستم غلط سرمایه داری است که کارگر

را فقط بمنظور استثمار هر چه بیشتر بکار وامیداشته اند و نفع طبقه غارت گر ملحوظ نظر بوده است نه نیاز جامعه و حالا که آن اساس و شالوده خانتاسه بهم خورده و سرمایه داران و غارتگران پولها را برداشته و فرار را برقرار ترجیح داده اند مشکل بیکاری چند برابر شده است ولی دولت موظف و متعهد است که بر اساس نیازهای نماید و متکی به بازوی توانای طبقه کارگر باشد و خود را از آنان جدا نداند و عج مع رواندارد مردم اینهمه شهید نداده اند که عده ای بیایند و خود را مسئول انقلاب بدانند و آنان را بصبر و حوصله و تامل دعوت کنند این مردم لحظه ای از میدان مبارزه فارغ نبوده اند و باچه حدت و سرعتی جان برکف نهاده و در راه واژگونی نظام ابلهسی پهلوی جهاد کرده اند حالا هیچ کس حق ندارد بآنها بگوید تامل کنید! باید در نهایت قدرت تمام امکانات انسانی و مالی را بکار گرفت و مشکلات اساسی آنان را که در وحله اول کاسو سپس مسکن است در مسیر انجام قرار داد برخی از این آقایان مسئولان که تصور میکنند در این مملکت آدم بندرت پیدا میشود اشتباه میکنند این کنسائیکه در این سی و چندساله مرد مردانه با رژیم ناردمی پهلوی مبارزه کردند و سردرپیش طاغوتیان خم نکردند و رنج زندان و بیکاری را برقبول پست و مقام و شغل ترجیح داده اند مردمی ترین بازوی جامعه هستند از فکر آنها. از تجسریات آنها. از طرحها و تئوریهای آنها باید استفاده کرد اگر تصور شود که ایشان دنبال شغل بودند و در برابر مقامات سر تعظیم فرود آورند اشتباهی محض است. باید منت آنها را هم کشید و مرد مردانه بداد مردم رسید

ورزش

بزودی شالوده سالمی با نظر کارشناسان ورزش پی ریزی میشود



شاه حسینی بستولات خبرنگار ما پاسخ میدهد

شاه حسینی را از سالها پیش میشناسم. از روزهایی که دوش بدوش یاران مصدق بارژیم سابق مبارزه میکرد و هرگز در برابر استبداد تسلیم نشد. او دارای صفات ممتاز ورزشکاری است و تواضع و مردمداری از خصوصیات بارز مردی است که امروز اساس سازندگی نسل جوان بعده او واگذار شده است. در حالی که همکارانش از زیادی کارمینالند بنظر بسیاری ورزش کشور ما هنوز نتوانسته است همگام با انقلاب شود.

گفتگویی داریم از چگونگی برنامه ها و نظرات و مشکلات ایشان که در زیر میخوانید. درست در اس ساعتی که قرار بود ما در محیطی ساده در دفتر کارش ملاقات کردیم و پس از احوالپرسی ساده اولین سؤال مطرح شد.

س - ورزش در گذشته بطرف مالکیت خصوصی سوق پیدا کرد. تجهیزات و تاسیسات خصوصی مثل باشگاه تاج که از اعتبارات دولتی و مقررات مملکتی سود می برد بجای آنکه به استفاده عموم واگذار شود به ملکیت قدرتمندان تخصیص یافت. آقای شاه حسینی، برنامه شما برای عمومی کردن این قبیل تاسیسات و تجهیزات ورزشی چیست؟ و نحوه اداره این تاسیسات در آینده چگونه خواهد بود؟

ج - رژیم سابق در گذشته ورزش را وسیله تحکیم قدرت دیکتاتوری خود کرده بود. ورزش در راه سرکوب گری و اختناق نیازهای سیاسی و اجتماعی جوانان بکار گرفته میشد. و باشگاههای خصوصی نیز در این کار نقش اساسی داشتند مانند باشگاه تاج که بودجه آن از بیت المال تامین میشد و در مقابل بدستگاه حاکم خوش خدمتی مینمود. سازمان ورزش تاکنون مشغول رسیدگی به دارایی و اموال اینگونه باشگاههاست و اداره آنها را اساساً بعد گرفته و آنها را در اختیار علاقمندان و ورزشکاران قرار خواهد داد تا بنحو صحیح از این تاسیسات بهره برداری نمایند.

س - چه برنامه ای در راه تعمیم و گسترش ورزش بین نوجوانان و جوانان دارید؟

ج - همانطور که در بالا اشاره کردم باشگاههای اختصاصی دنباله روی سیاست کلی رژیم سابق بودند و هدف اساسی ورزش را پی چوئی نمیکردند. برنامه سازمان ورزش در وهله اول تعمیم ورزش بین نوجوانان و جوانان میباشد و برای ره پای بدین منظور ورزش را از سطح کودکانها و دبستانها شروع خواهیم نمود و سراسر کشور گسترش خواهیم داد

اصغر قالیباف

س - برای گسترش ورزش در محلات که منبع جوشان ورزش کشور میباشد چه برنامه ای دارید؟

ج - مناطق غرب، جنوب، شرق تهران منبع بکر و جوشان استعداد های ورزشی بویژه فوتبال میباشد برای پرورش اینگونه استعدادها علاوه بر مسابقات فوتبال که در این مناطق برگزار میشود کلاسهای آموزش فوتبال برای نوجوانان همه هفته روزهای پنجشنبه و جمعه دایر میگردد.

این کلاسها زیر نظر آقای فکری اداره میشود و وسایل مورد نیاز نیز از طریق سازمان تهیه و در اختیار علاقمندان قرار میگیرد و در نظر است در تمام محلات شهر کلوبهای مستقلی تاحد امکان برای استفاده نوجوانان با خودیاری مردم تاسیس کنیم.

س - ورزش های اشرافی و پرخرج مانند اسکی روی آب، اسبسواری، تنیس و اسکی را مردمی خواهید نمود یا بخاطر هزینه های گزاف از فعالیت آنها جلوگیری مینمائید؟

ج - بسبب شرایط خاص اقلیمی و نداشتن امکانات کافی نظیر پیست های اسکی و دریاچه های مستعد بالا جبار اینگونه ورزشها قابلیت گسترش ندارند و فقط عده معدودی میتوانند از آن استفاده کنند البته درآمد حاصله از این قبیل ورزش های نسبتاً گران نیز در راه بهبود و توسعه ورزش مردمی صرف خواهد شد.

س - یکی از همکارانستان در یکی از مصاحبه های خود راجع به ورزش بانوان گفته بود که آنها باید در حصار ورزش کنند با اعتراض بانوان روبرو شد با در نظر



حسین شاه حسینی

گرفتن حقوق برابری برای زن و مرد در جمهوری اسلامی نظر شما راجع باین موضوع چیست؟

ج - منظور همکارم پاکسازی محیط ورزشی بانوان میباشد تا آنها بتوانند در یک فضای سالم ورزش نمایند نه در حصار متأسفانه برداشت مردم از این موضوع نادرست بوده است، ما گفته ایم تا آنجا که مقدور باشد ترجیح میدهیم ورزشهای چون شنا که ملازم با لخت شدن دارد در ساعات معینی اجرا شود.

س - دهات منبع بکرو دست نخورده ای برای گسترش ورزش و بالمال پرورش قهرمانان ملی است در این زمینه چه برنامه ای دارید؟

ج - طرحی در دست تهیه است که با همکاری وزارت کشاورزی و سایر سازمانهای مسئول ورزش در دهات در سطح هر چه وسیع تر گسترش یابد بطوریکه جوانان روستائی گرایش بیشتری نسبت به ورزش پیدا نمایند در این راه از همه امکانات استفاده خواهد شد.

س - برای شرکت ورزشکاران ایرانی در المپیک مسکو چه اقداماتی صورت گرفته است.

ج - اگر در آینده با مشکل غیر مترقبه ای مواجه نشویم بطور مسلم در المپیک مسکو حضور خواهیم داشت.

س - آیا ما ورزشکار حرفه ای خواهیم داشت؟

شما میدانید ورزشهای حرفه ای دارای شالوده و بنیاد غنی آماتوری هستند و چون هنوز در کشور ما ورزشهای آماتوری بسطح بالائی از کارآمد نرسیده بنابراین ابتدا در راه تعالی ورزشهای غیر حرفه ای باید بکوشیم. پس در حال حاضر هیچگونه برنامه ای در راه حرفه ای کردن ورزش نمیتوانیم داشته باشیم.

سؤال بسیار بود و فرصت کم بخصوص که مراجعین بیشمار و کار بیش از حد مجال گفتگو نمیدهد و بناچار محیط ساده و صمیمی رئیس ورزش کشور را بامید موفقیت ایشان در امر ورزش و همگام کردن آن با انقلاب ترک میکنیم.

توجه به ورزش محلات و دهات و نیز تاسیس کلوبهای مستقل در هر محل و ده در سر لوحه برنامه گردانندگان ورزش قرار خواهد گرفت

در خاتمه از تذکار این حقیقت ناگزیریم که سازمان الوده ورزش از دیدگاه ما در این شرایط انقلابی حقا بوجود کسی چون شاه حسینی نیاز داشت که بدون هر نوع وابستگی این کانون فساد شاهنشاهی را درهم بریزد و بکمک کارشناسان شالوده سالمی را برای ورزش ایران پی ریزی کند، توفیق شاه حسینی را نیز آرزو داریم

ورزشگاه ملی بجای ورزشگاه جعفری



پس از پیروزی انقلاب یکی از لایه های فسادیکه بدست مردم تسخیر شد ورزشگاه جعفری بود که ناندانی چاقو کشان شاه فراری شده بود این ورزشگاه که بنام ورزشگاه ملی تغییر یافته و برای نوسازی در اختیار ورزشگاه ازاده ما عیداله کریمی قرار گرفته است بهزین شخص ایشان و زیر نظر سازمان ورزش ترمیم و بزودی بخدمت ورزش شریف ایران قرار خواهد گرفت

هیئت مدیره قلابی ورزش باستانی

اطلاع یافتیم عده ای از کارگران چهارم آسانی و کسانیکه بساز شاهنشاهی کبابه میکشیدند خودسرانه گردهم جمع شده و یک هیئت مدیره قلابی بنام ورزش باستانی درست کرده اند که در جمعشان فقط جای شعبان خان ملقب به بی مخ خالی است در حالیکه هستند ورزشکاران با شرفی که حیثیت ورزش خود را با شرافت ملی درهم آمیخته اند و حقا باید ورزش ملی را سرپرست باشند توجه آقای شاه حسینی را بموضوع جلب میکنیم

شورای موقت اسلامی کارکنان جنرال موتورز

طی بیانیه ای اعلام داشته است!

هر دولت برای انجام هر امری و لو هر قدر کوچک، به دو عامل نیاز دارد. ۱ - قانون وضابطه و آئین نامه ۲ - افراد و عناصر لازم برای پیاده کردن آن قانون و مقررات.

ما تفرقه اندازان خارجی و داخلی را که همان پس مانده های رژیم سی هستند، محکوم کرده و باتشکیل صفوف فشرده اعلام می کنیم که تا سوئی کامل با آنها خواهیم جنگید. ما از اتحاد گروه های مبارز اسلامی توحیدی بدر، توحیدی صف، فلاح، فلق، منصورون و موحدین که جبهه وحد (سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) را تشکیل داده اند، پشتیبانی کرده و تا آخرین نفس در کنار آنها و بر علیه دشمنان خلق و حائق مبارزه خواهیم کرد.

وضع مسخره بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی

عبدالحسین سادات سعید ابادی کشور روستای سیدآباد در شکایتی به آقای بازرگان می نویسد:

«در سال ۵۶ یکدستگاه تراکتور از بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی خریداری کردم که بعد از سه ماه کار به نقص فنی دچار شده است. ایشان می افزاید برای خرید لوازم یدکی سه بار به تهران مسافرت کرده و از بنگاه مذکور پاسخ منفی شنیده است و سرانجام میل لنگ مورد نظر خود را ۳۳۰۰ تومان گرانتر از بازار سیاه تهیه کرده است. این روستائی برای خرید قطعه یدکی مبلغ ۱۲۵۰۰ تومان پرداخت کرده در حالیکه قیمت اصلی آن در بازار ۲۰۰۰ تومان بیشتر نیست.

پرخاش: باید به تشکیلات عریض و طویل بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی صدا فرین گفت که این چنین در راه توسعه کشاورزی مملکت همت بخرج میدهند!

جمعیت اسلامی هدایت ملی

در اعلامیه شماره ۲ خود اعلام داشته است: اکنون که برهبری امام خمینی نهال اسلام شکوفا شده است باید راه مجاهدان شهید را ادامه دهیم و علیه طرفداران راههای انحرافی مبارزه نمایم و فقط راه الله را در پیش گیریم. چرا که خطر نفوذ جهانخواران که دارای ماهیت و هدف مشترک استعماری هستند هر روز افزونتر میشود.

برای جلوگیری از این خطر و بمنظور سازماندهی نیروهای مذهبی بر اساس سوره «احزاب»، جمعیت اسلامی هدایت ملی، تشکیل شده است این جمعیت معتقد به حکومت جمهوری اسلامی باشیوه راستین رهبری امام خمینی و راهنماییهای قرآن مجید میباشد.

مطبوعات شاهنشاهی

یکی از دانشجویان دانشکده جندی شاهیور اهواز می نویسد: نمایندگان مطبوعات شاهنشاهی در اهواز در کار زمین بازی و پیمانکاریهای بزرگ زد و بند داشته اند. یکی از آنها عضو فرماسونری بوده و بکمک حزب منحل رستاخیز به انجمن شهر اهواز راه یافته بود.

ایشان باتهام جعل مهروزارت اطلاعات و جهانگردی و جعل دیپلم، مورد پیگرد قانونی قرار گرفته و باقرار تامینی معادل یکصد هزار تومان محکوم گردیده است. نماینده دیگر از طرف استاندار وقت در اطاق اصناف ماموریت داشته و سالیان متدای به حقوق اصناف اهواز تجاوز کرده بود. اکنون این صماینده نقاب انقلاب بچهره زده و رنگ عوض کرده اند و به خلافکاریهای خود ادامه میدهند، جادارد بحساب اینگونه افراد فاسد هر چه زودتر رسیدگی شود.

مربیان و علاقمندان ورزش

پرخاش هر نوع پیشنهادی را در راه بهتر شدن ورزش هر هفته منعکس میسازد منتظر دریافت نظرات و برنامه های پیشنهادی شما هستیم

بوروکراسی و انقلاب

متمرکز اداری، تورم و تراکم کارکنان ادارات در پایتخت است:

تورم انسانی

دامنه و وسعت این تورم از نقطه نظر نیروی انسانی بعدی است که ترکیب دستگاههای اداری بصورت هرمی و از گونه درآمده است که بعلت قاعده آن در تهران و رأس هرم در بقیه نقاط مملکت قرار دارد. بخش عظیمی از کارشناسان و معلمان و پزشکان و کادرفنی کشور در تهران جمع شده اند و شهرستانها و مناطق روستائی در تب کمبود میسوزد و از لحاظ نیروی انسانی متخصص در محرومیت و مضیق شدن بسر میبرند.

بدون سگ یکی از اساسی ترین اقدامات در جهت تحقق هدفهای انقلاب، دگرگون ساختن بنیادی و نوسازی نظام بوسیله اداری کشور است. تا قبل از انقلاب، ماموریتهای اصلی مورد انتظار از دستگاههای اداری کشور عبارت بودند از:

- ۱- تأمین و اجرای خواستها و سیاستهای استعماری و سلطه طلبانه غارتگران بین المللی و شرکای داخلی آنها.
- ۲- حفظ و حراست و دفاع از حاکمیت مسلط موجود.
- ۳- ایجاد شبکه اشتغال برای جدانمودن گروههای روشنفکر و تحصیلکرده از جامعه و قرنطینه نمودن آنها در قالب چارچوبهای اداری و سازمانی و تبدیل آنها ب بهره های مطیع فرمانبردار (بر مبنای اطاعت کورکورانه)
- ۴- انجام خدمات مختلف مورد نیاز جامعه در سطح محدود و با کیفیت ناقص بمنظور کاهش ناراضیها و جلوگیری از بارور شدن خواستهای انقلابی (اقدامات تسکینی و اسپرینی)

در رابطه با چنین ماموریتهایی بود که ترکیب سازمانی و شکل واحدهای دولتی نیز به ترتیبی تنظیم گردید که اولاً بصورت یک عامل فرمانبردار و مطیع هیأت حاکمه عمل نمایند و برای این منظور با آنکه طبق قوانین مملکتی برای اداره کشور از نظر اداری، نظام «عدم تمرکز» پیش بینی شده بود، معهداً رژیم قلی بر طبیعت و خصلت وجودی خود نظام «استبدادی متمرکز اداری» در سطح مملکت باشد و قوت بر مرحله اجراء در آورد تا راه را بر هرگونه امکانی در زمینه مشارکت مردم در اداره امور کشور و برقراری دموکراسی ببندد و بدین ترتیب دستگاههای اداری از نقطه نظر مدیریت و سازمان:

بر مبنای نظام متمرکز قرار گرفت. و بخش اعظم اختیارات و اقتدارات در مرکز کشور بدست قشری وابسته که در رأس این مؤسسات بودند، سپرده شد. این قشر وابسته با سوء استفاده از موقعیت خود نقشه های استعماری و چپاول ملت را بر مرحله اجراء در آورد و در مقابل، ادارات استانها و شهرستانها فاقد اختیارات و قدرت لازم برای کار و تصمیم گیری شدند و از اختیارات و خدمات دولتی کمتری سهم را دریافت داشتند. از عوارض عمده دیگر نظام

پرخاش مشترک می پذیرد برای اشتراک مبلغ یک هزار ریال بابت یکصد شماره روزنامه بحساب شماره ۵۲۷ بانک سپه شعبه پیچ شمیران واریز نموده فیش آنرا به نشانی روزنامه ارسال فرمایند تا روزنامه بادرش شما ارسال گردد. دفتر روزنامه پرخاش

آیا آقای امینی استعفا داده است

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که بعضی بی ترتیبی های موجود در استان فارس، منجر به بازگشت آقای نصرت الله امینی از حوزه ماموریت ایشان گشته و فعالیت های معموله در جهت جلب رضایت ایشان نیز بدون نتیجه مانده است. تا جایی که صحبت از انتخابات جانشین ایشان در میان است. آقای خسرو قشقائی در گفتگویی با پرخاش، شایعه هرگونه اختلاف نظر میان خود و آقای نصرت الله امینی را تکذیب و اضافه کرده اند باید دید چه دسته جاتی موجب نارضائی آقای امینی را فراهم کرده اند. امیدواریم نقش هائی که در بعضی از استان ها وجود دارد هر چه زودتر پایان پذیرد و ماموران خوب دولت بتوانند وظایف خود را به انجام برسانند.

حزب ایران و موقعیت حساس آن

بنام آزادگان حزب ایران، کاریابی نکنید

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که یکی از عناصر متظاهر به توحید که نمونه بی نظمی است و از دیانت کم خیر، با کارگزاری دو تن از دوستانش در دولت، ریاست شرکت کشتی رانی آریا را اشغال کرده است. این بزرگوار که از همکاران نزدیک منصور روحانی معدوم بوده و حتی در دوران بازنشستگی به اعتبار ارتباط با دستگاه اهریمنی در حوزه گیلان شاغل مانده بود، به اعتبار سابقه، متظاهر به عضویت حزب ایران هم کرده است. این انتخاب نامناسب را فرصت تذکار قرار می دهیم که در این دوره، معاندان حزب ایران نتوانند از سوابق مبارزاتی این سازمان سیاسی بر اعمال شخصی خود پوشش فراهم کنند و به این آقای بی نظمی که در نظام گذشته بخوبی نظام گرفته بود، تذکر می دهیم شخصاً مستعفی و به خانه بازگردند. اصرار در ادامه اشغال این پست، ما را به ابراز صریحتر حقایق ناگزیر نسازد.

دکتر صادقعلی مهدی پور

- اصفهان

پرخاشجوی ما

پرخاشجوی ما، راحت مبارک است

در لحظه - وج،

در موسم بهار،

در اولین تالو گلبوک های سرخ

بردشت بیکران وطن،

با یاد پیروز رهبر رزمندگان شرق

با تکیه بر تدوام همبستگی خلق،

با تکیه بر صلابت بازوی کارگر

با تکیه بر مقاومت و کار برزگر

با پیروی ز خواسته و فکر رنجبر

پرخاشجوی ما، راحت مبارک است

اما بهوش باش

در این بهار پرثمر از لاله های سرخ

هر لحظه با وزیدن طوفان برابری!

یکن ترا ز وحشت طوفان چه باک هست؟
(چون تو مبارزی ز تبار مصدقی
راه تو راه اوست،
مادر کنار تو، تو کنار مصدقی)
در راه او،
با بذل جان و مال
هر روز و ماه و سال،
پرخاشجوی ما، راحت مبارک است

مادر

میان کشتگان می گشت مادر

که یابد کشته ای دردانه فرزند

نبود آنجا ز دلندیش نشانه

ولی مادر دل از جستن نمیکند

گهی بر سر گهی بر سینه میکوفت

گهی میزد ز غم بر خاکها چنگ

گهی دیوانه وار از ناامیدی

فغان میکرد و سرمیکوفت بر سنگ

هوا پر بود از عطر شهادت

زمین گلگونه از خون شهیدان

فضا آکنده از نفرین و نفرت

زمان حیران ز بیداد پلیدان

بروی دست آوردند ناگاه

شهید نوجوانی راتنی چند

بناگاه مادر از حاجت و خود را

بروی نوجوان کشته افکند

یکی پرسید مادر را که آیا

نهال باغ امید توانیست؟

همانست آنکه می جستی در اینجا

گل نشگفته ات این نازنین است؟

بحسرت گفت افسوسانپرورد

گر این سروسهی را دامن من

ولی هستند این شمشادقدان

همه پروردگان میهن من

ناصر روانبخش بهمن ۱۳۵۷

مصدق کجانی که با چشم خود
به بینی شکست ستم کار را
برآور سر از خوابگاه عدم
تماشا کن این جنگ و پیکار را
که آه شر بار خونین دلان
چو خونها بدل کرد خونخوار را
که از آهنین عزم رزمندگان
چه آمد بسران تبه کار را
مصدق کجانی که فرمان دهی
به پیکار سرباز و سردار را
بیپاییز تا دست یاری دهی
امام گرانقدر احرار را
خیمینی که او را خدا برگزید
که آسان کند کار دشوار را
از این ملک ویران گریزان کند
سیه دل ترین فرداشرار را
به یک گام ملت به مقصد رسید
چه بگسود او راه هموار را
کجانی که بینی در این انقلاب
جهاد گروهی فداکار را
که از خون همزیم تو فاطمی
نمودند گلگونه رخسار را
جوانان در خاک و خون خفته را
شهیدان جان داده برادر را
که کردند از خون خود بارور
درخت سعادت تبر و بار را
درختی که آزادی ارد بیار
درختی که گل می کند خار را
به بینی سروجان نهاده بکف
بهر برزی خلق بسیار را
که مردانه کشتند و بستند دست
ستم پیشه مردم آزاد را
زن و مرد و پیرو جوان در نبرد
شکستند درهای دربار را
کشیدند از تخت شاهی بخاک
زبونی به خواری سزاوار را
گر اقبال یک چند شد یار او
کنون می کشد رنج ادبار را
عمل کرد دستور بیگانه را
چو سرباز فرمان سالار را
به بیگانگان بردگی کردورد
از این بردگی سود سرشار را
برفتند بیگانگان از وطن
چو دیدند آشفته بازار را
نه بیگانه ماند و نه بیگانه دوست
ز کشور چو باندند اغیار را
بر آورد، شد از زوهای تو
چرا بسته ای چشم بیدار را
بجای تماشای آن شود، زار
شگفته به بین باغ و گلزار را
تو رفتی ولی رسم و راه تو ماند
چو اموختی رزم و پیکار ۱۰

سفیر خوب

رسول را، که خدای جهان رسالت داد
رسالت، از پی گسترده عدالت داد
به سوی خلق شد، از لامکان سفیر کبیر
کلام وحدت، برنامه ای رسالت داد
عرب، اسیر خرافات جاهلیت بود
به او وظیفه ای پیکار با جهالت داد
پیام صلح و رهایی، به خلق مستضعف
ز یوغ سلطنت و ظلمت ضلالت داد
رسول «صالح» و مرسل «مصدق» باید
نه طالعی که به «الات فعل» الت دادا
تقوا! به همچو سفارت، که با سفارش شاه
فقط منافع بیگانه را دخالت دادا
تباہکاری امثال «زاهدی»، مارا
به جای ارج، میان ملل خجالت داد
بنام شاه، بسی رشوه داد و عشوه خرید
تن کشیف به قوادی و دلالت داد
سفیر فاسق فاجر به پشتگرمی شاه
رواج دزدی و شیادی و رذالت داد
به هرچه خائن و رسوا، نظام طاغوتی
زمام کشور کابینه و وکالت دادا!
ولی، کتون که به ایران نظام جمهوری
نهاد ظم برافکند و روح و حالت دادا!
ز برگزیدن برخی رجال با تقوی
به «انقلاب ظفریاب» ما اصالت داد.
نشان فضاپذهی عدل، قطع رابطه هاست
که کار حق، به سزاوار حق حوالت داد
سفیر خوب تواند به ملک و ملت خویش
مقام واقعی و ارزش و جلالت داد
نه آن سفیر مخنث که هرچه دشمن خواست
به خ، از سر تسلیم و استمالت دادا

۲۶ فروردین ۵۸ هجری قمری «تابناک»
مدیر روزنامه شبخون

درود به مردم اصفهان - شهر قهر مان شهر مقاومت و ایمان



پرخاش

دارنده و مدیر:

احمد انوار

نشانی: پیچ شمیران - کورش کبیر کوچه شقایق

پلاک ۲ تلفن ۷۶۳۱۶۴

تحت نظر شورای نویسندگان

شماره چهارم دوره پیروزی

سی و سومین سال تاسیس

شماره مسلسل ۲۳۵

روزهای انتشار چهارشنبه

بهای آگهی هر سطر ۳۰۰ ریال

سخن کوتاه هفته

تهران و همه شهرستانهای کشور می‌گرد. غرضی بر از نفرت و انزجار در تائید شخصیتی چون طالقانی و به نشانه احترام به مجاهداتش. از این موج عمیق و مقدس به آسانی نمی‌توان گذشت این موج، موج تسویه انقلاب است و محکومیت تحریک و افساد در کار مبارزه. کمیته‌ها را تسویه کنید. عاملان دستگیری خاندان طالقانی را بمردم بشناسانید تا دیگر ضد انقلاب در هیچ کجا و با هیچ عنوان امکان اخلاص در کار انقلاب ملت ایران را نداشته باشد.

خواننده عزیز و خوب پرخاش

برای ادامه حیات روزنامه به کمک شما نیازمندیم

بررسی کوتاه برخورد دستگاه‌های تولید و توزیع با پرخاش، و محرومیت‌های ناشی از تحریم عملی روزنامه از طرف ارگان‌های بزرگ شاهنشاهی از یکسو و بی‌مهری سازمان رادیو تلویزیون از سوی دیگر چنانچه انتظار هم داشته‌ایم باعث شده‌اند که روزنامه پرخاش نتواند بصورت معمولی در اختیار علاقمندان قرار گیرد. بدین توضیح که نه امکان طبع روزنامه به آسانی میسر است و نه امکان نشر آن. همه با هم در برابر نام پرخاش سنگر گرفته‌اند و این زائیده شیوه حق جویانانه روزنامه ماست و ناگزیر برای ادامه حیات خود، دست استمداد بسوی خوانندگان صمیم و عزیز خود دراز می‌کنیم.

ما توقع کمک رایگان و یا ریختن پول بلاعوض به حساب روزنامه را نداریم ولی از شما خواننده عزیز و خوب پرخاش، می‌خواهیم که برای گذشتن از این مشکلات موجبات ارتباط بیشتر، زودتر و عملی‌تر ما را با خوانندگان علاقمندی که راه ما را می‌پسندند فراهم سازید.

برای تامین حداقل هزینه جاری پرخاش، اضافه بر بهای تک فروشی ناقصی که فعلا عاید می‌شود، همه هفته بدریافت ۱۵۰ بهای اشتراک ۱۰۰۰۰ ریالی روزنامه نیازمند هستیم از شما خوانندگان با وفای خود توقع داریم ضمن آنکه بهای اشتراک خودتان را به حساب روزنامه واریز می‌فرمائید. کوشش کنید هر هفته چند نفری که ما را می‌پسندند به شما مشترکان روزنامه اضافه کنید. باشد که به همت والای شما، غبار فراموشی ۲۵ ساله و صدمات شاهنشاهی وارد بر ما جبران گردد و با حمایت شما بر تحریم عملی غول‌های مطبوعاتی فائق شویم.

غارت شاهنشاهی در بانک توسعه

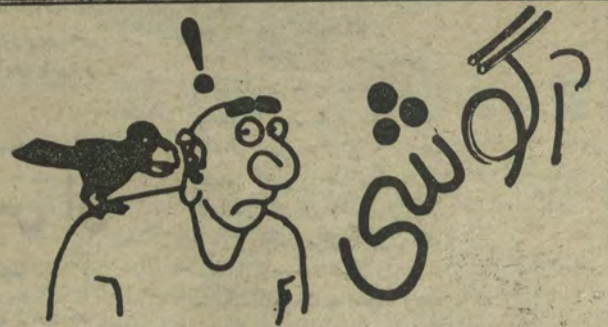
یکی از خوانندگان پرخاش تلفنی اطلاع داده است که ۸ میلیارد ریال از سرمایه بانک توسعه بدستور آقای فرمانفرما بدون وثیقه در اختیار مدیران صنایع شاهنشاهی گذاشته است که بترتیب صنایع پرودتی لرستان ۲۰۰ میلیون و شرکت سیتروکس نیز قسمت دیگری از آن دریافت داشته است. از وزیر دارائی می‌خواهیم که پیرامون چگونگی اخذ و استیفای این وام دستورات لازم را صادر فرمایند.

وکلا و پول باز یافتی

شنیده‌ایم از محل اعتبار عمرانی بهر وکیل رستخیزی ۲۲ میلیون و بهر سناتور مبلغی بیش از این برای خرج در حوزه انتخابیه اشان پرداخت شده است که عده بیشتری از آنها ارقام مزبور را هنوز بمصرف نرسانده‌اند. از مسئولان امر رسیدگی به چگونگی مصرف این سرمایه‌های ملی را توقع داریم.

سالاری شکنجه‌گر

روابط عمومی حزب ملت ایران درباره خبر شماره گذشته پرخاش درباره سالاری شکنجه‌گر اطلاع میدهد که اوبا درجه سرهنگ تمامی وسعت ریاست ساواک کهگیلویه در راه یاسوج بر اثر تصادف کشته شده است. از طرف دیگر اطلاع یافته بودیم که سرهنگ سالاری - ساواکی هم در یک شرکت ساختمانی کار میکرده متوارست اگر هر دو غیر صحیح باشد باید گفت پس همه سالاری‌ها شکنجه‌گرند باز هم بانتظار دریافت اطلاعات بیشتر میمانیم.



آقایان امیرانتظام و دکتر یزدی

لطفا اول باین مطلب توجه فرمائید:

چون شنیده‌ایم بسیاری از تبهکاران با لطایف الحیل درصدد کسب اجازه خروج از کشور هستند بحکم وظیفه اهمیت موقع را به آقای امیرانتظام یادآور میشویم مباد آنکه یکی از این ناپاکان با تشبث موفق بگریز از ایران گردد چه شبکه سرتاسری فساد بافرااد مشخص محدود نمیشود (نقل از پرخاش شماره دوم)

حالا این خبر را هم

مطالعه فرمائید

آقای اصغر مسعود

بخارج رفتند



خبرنگار پرخاش اطلاع میدهد آقای اصغر مسعود فرزند آقای اکبر مسعود صرام الدوله روز سه شنبه گذشته تهران را با هواپیما بمقصد اروپا ترک کردند. حالا باید دید خروج این شخص با آن سوابق با اجازه چه مقامی بوده است.

بازداشت وحیدنیا و منوچهر صدری

از اصفهان اطلاع می‌دهند آقای منوچهر وحیدنیا نماینده سابق مجلس شورای ملی و آقای منوچهر صدری پادوی شاهپور غلامرضا وسیله افراد کمیته در اصفهان بازداشت شده‌اند. گفته شده است اتهام آقای وحیدنیا اضافه بر عضویت فراماسونری، همکاری نزدیک با ساواک بوده و اتهامی نیز در زمینه ثبت اراضی اطراف ذوب آهن با مشارکت سناتور ابراهیم نیک پور دارند منوچهر صدری هم با پادوئی غلامرضا پهلوی میلیون‌ها تومان کلاهبرداری کرده است.

برای اصلاح وزارت

کشاورزی

منتظر پانزدهم اردیبهشت نباشیم

پیرو مطالب شماره‌های گذشته پرخاش که گفته شده بود همدستان روحانی و عمال ساواک در وزارت کشاورزی هنوز به ترک تازی خود مشغولند اطلاع یافتیم آقای ممتاز از کار کنار گرفته است ولی نمیدانیم چرا فیروز مهدوی معاون وزارت کشاورزی (فراماسون) که با اتکاء دفتر مخصوص مراحل ترقی را سریع طی نمود و در زمان تصدی سازمان حاصل خیزی خاک ملیونها دلار از سرمایه دولت را به هدر داد و با اسرائیل جهت خرید سیستم‌های آبیاری قطره‌ای قرار داد بست از عوامل هنوز بر سر کار است و از افراد مشکوک نظیر احمد صرام اصلانی که با خرید ماشین آلات از آفریقای جنوبی سرمایه‌های ملی را بهتر داده است حمایت میکند از آقای وزیر کشاورزی می‌خواهیم قبل از پانزدهم اردیبهشت که وعده داده‌اند در اخراج این اشخاص اقدام کنند.

توصیه آقای فلسفی و فرار

اسلامی نیا

کمیته عباس اباد شهسوار هفته گذشته اسلامی نیا یا دوعباس هویدا و کارچاق کن معروف را بازداشت کرد پس از چند ساعت آگاه شدیم که نامبرده را با اخذ ضمانت وسیله آقای محمود باقرزاده آزاد کرده‌اند که فردا صبح مراجعه کند بقرار اطلاع نامبرده عدم مراجعه فرار را بر معرفی خود ترجیح داده است خبرنگار ما گزارش میدهد آزادی این عنصر بدنام و کثیف طبق توصیه آقای فلسفی انجام گرفته است.

ملاحظه میفرمایند این هم درجه توجه بدستور رهبر انقلاب درباره عدم توصیه!!

با نام پیشوا، غریو هلهله حضار

تالار کتابخانه دانشگاه را به لرزه در می‌آورد

پیمانی نو و راستین در راه تداوم مبارزه میان دونسل از مبارزان ملی

از صفحه اول

وحسبیبی و شبیر فرهمند وعده ای دیگر و جالب تر ممتاز مدافع پرافتخار خانه ۱۰۹ از نویسندگان ابوالفضل قاسمی و ابراهیم کریم آبادی و دیگر نویسندگان و از مبارزان راستین انقلابمان کسانی چون علی اردلان، داریوش فروهر و مهندس کتیرائی وزیر مسکن و شهر سازی

بررسی زندگی هر یک از این گروه میرساند که خمیرمایه شرف که اصل اول گزینش راه مردم است، در وجود تمامی آنان تبلور داشته وهمه به راه مردم و مصدق ایمان دارند.

در ابتدا دکتر سعید فاطمی سردبیر باختر امروز جلسه را افتتاح کرد و به حضار خیر مقدم گفت. آنگاه انواری مدیر پرخاش با عنوان دبیر جبهه روزنامه نگاران ملی پشت تریبون قرار گرفت. او قبل از هر چیز به دسانس خود کامگان ضد انقلاب در ربودن فرزندان مجاهد بزرگ، طالقانی اشاره کرد و با قاطعیت، شامت این اعمال جنایت کارانه را محکوم ساخت. انواری



صحنه‌ای از جلسه جبهه روزنامه نگاران ملی ایران در تالار کتابخانه دانشگاه تهران.

راستی یادمان رفت، شاعر پراحسانان حبیب الله ذوالقدر مدیر روزنامه شیخون قیلا شعری را که به مناسبت ساخته بود قرائت کرد. در اینجا رشته کلام به امیر علائی داده شد که خلاصه گفتارش را در این شماره پرخاش میخوانید و سپس دکتر مکرری سفیر ایران در مسکو به وسعت مرز ایران و شوروی اشاره کرد و گفت در یکی از کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی ۵ بیلیون کتاب به زبان فارسی وجود دارد این بدان معنی است که وسعت فرهنگی ما بر مرز جغرافیایمان فزونی دارد. مکرری اضافه کرد: «میخواهیم بیش از وسعت مرزهایمان با ملت اتحاد جماهیر شوروی مرز دوستی و فرهنگی داشته باشیم. با رعایت اصل عدم مداخله در امور یکدیگر» مکرری افزود: «دوستی ما با ملت اتحاد جماهیر شوروی نمیتواند مانع دوستی ما با دیگر ملل جهان باشد.» در پایان روزنامه نگاران ملی، چهار عکس پیشوا را با قاب خاتم به چهار تن مبارز و سفیر ملی اهدا کردند علی اردلان وزیر دارائی و مدیر «سرسر» به مناسبت همگامی هایش در راه آزادی مطبوعات ملی و داریوش فروهر، به مناسبت همگامی اش با مطبوعات ملی و پایداریش در مبارزه. دکتر امیرعلائی سفیرمان در پاریس بیاس حمایتش از مطبوعات ملی واستقامتش در ارادت به پیشوا و بالاخره دکتر محمد مکرری به یاد آوارگی هایش در ۲۵ ساله اخیر و مبارزاتش در طول عمر و آخر توشه راهش در سفر مسکو.

جالب ترین صحنه که میان این دو نسل عامل اتحاد و ضامن تداوم پیروزی بود، آنکه نام پیشوا، نام مصدق کافی بود که رشته سخن را بگسلد و تالار را به لرزه درآورد. همه با هم همه با یک طنین و ارتعاش، همه با یک ایمان و اعتقاد همه وهمه با هم در راه یک هدف با جان و دل فریاد میزدند: مصدق! ما راه تو را ادامه خواهیم داد.